ادامه از صفحه اول

۳۴ روز «تکاور»

قبل از آغاز تهاجم سراسری با تقویت پایگاه دریایی خرمشهر که در آن زمان منطقه سوم دریایی بود توسط یگان‌های عملیات ویژه تکاوران برای حراست از مرزهای آبی کشور در این منطقه، با اقدامی هوشمندانه و به‌موقع، عمده یگان‌های شناور ناوتیپ‌هشتم را که در بندر خرمشهر مستقر بودند و می‌رفت تا با آغاز تهاجم دشمن در این آبراه محبوس شوند، به‌خاطر به دست آوردن فضای مانوری کافی، به خارج از این آبراه، انتقال داد و با به‌کارگیری آنها در عرصه‌های مختلف عملیاتی، برگ‌های زرینی را به تاریخ دفاع مقدس افزود. از آنجایی که اشغال خرمشهر به لحاظ راهبردی و تبلیغات سیاسی برای ارتش بعث از اهمیت بالایی برخوردار بود، به همین دلیل سرفرماندهی ارتش بعث با تخصیص توان رزمی بسیار بالا از نیروهای زرهی، مکانیزه و داشتن نیروهای مخصوص، رویای تصرف سه‌روزه خرمشهر را در سر داشت، در شروع جنگ، بحث خرمشهر و مقاومت ۳۴روزه آن مطرح است. در آن ایام تفنگداران نیروی دریایی ارتش (ج.ا.ا.) به علت وجود پایگاهی که در ضلع جنوبی خرمشهر واقع شده بود در درگیری‌های ۳۴روزه مقاومت خرمشهر حضور فعال داشتند، محور کار دفاع ۳۴روزه خرمشهر، نیروی دریایی ارتش (ج.ا.ا.) بود. ژنرال وفیق‌السامرایی، رییس استخبارات رژیم بعث در بخشی از سخنان خود تحت‌عنوان ویرانه‌های دروازه شرقی اینگونه می‌نویسد: ما زمانی توانستیم خرمشهر را اشغال کنیم که مقاومت آخرین تفنگداران دریایی ایران را شکستیم. راهبرد دشمن بعثی این بود که ظرف یک‌هفته در میدان آزادی تهران مصاحبه مطبوعاتی داشته باشد اما ۳۴روز پشت مرزهای خرمشهر درجا زد. کسانی که در آن دوران ۳۴روزه آنجا بودند و جنگیدند به یاد دارند که حتی یک‌ثانیه هم صدای رگبار و شلیک گلوله‌ها و توپ‌ها قطع نمی‌شد، تکاوران نیروی دریایی نقش تعیین‌کننده‌ای در مقاومت ۳۴روزه خرمشهر داشتند. در واقع، دشمن آنجا شکست خورد. به این معنا که وعده فتح سه‌روزه خرمشهر ۳۴روز طول کشید. اما شکست بعدی در کجا بود؟ در کوی ذوالفقاریه. چه کسانی آنجا بودند، همان گردان سرهنگ کهتری معروف به امیر آبادان و ناخدا صمدی که فرمانده تکاوران دریایی بود، با مقاومت همین‌ها بود که دومین شکست دشمن در کوی ذوالفقاریه رخ داد. در بحث محاصره خرمشهر و آبادان راه‌آبی برای تردد پیش‌رو بود و از همین راه‌آبی بود که مهمات منتقل می‌شد و مهاجران نیز از طریق آب به آبادان تردد داشتند. در سال ۱۳۶۰ حصر آبادان رفته‌رفته کامل می‌شد و در آستانه سقوط بود، آنجا و در آن شرایط، نیروی دریایی میانداری می‌کرد.

ادامه در صفحه۶

خاتمی در مراسم «روز جهانی صلح»:

باید جان‌های صلح‌طلب تربیت شوند

ایسنا: سیدمحمد خاتمی صبح دیروز در مراسمی که به مناسبت روز جهانی صلح در «موزه صلح» تهران برگزار شد، با بیان اینکه «همواره جنگ، ستیز و خشونت میان آنان که قدرت را در دست دارند با آنان که باید زندگی کنند بیشتر بوده است»، گفت: «این خشونت و جنگ در قرنی که گذشت باتوجه به پیشرفت تکنولوژی و فناوری و همچنین افزایش فزون‌خواهی انسان‌های قرن‌بیستم بیشترین فجایع را در طول تاریخ به وجود آورد.»او با اشاره به اشعار ملک‌الشعرای بهار در نکوهش جنگ و ستایش آشتی و صلح افزود: «در طول تاریخ به‌ویژه در قرنی که گذشت ما شاهد بودیم بسیار از صلح یاد شد و جنگ مورد نکوهش قرار گرفت.»«خاتمی» با اشاره به دو جنگ‌جهانی، جنگ‌های منطقه‌ای و جنگ سرد ادامه داد: «ما در طول تاریخ از جنگ‌های جهانی گرفته تا امروز که در پایان قرن‌بیستم است، شاهد بروز پدیده وحشتناکی به نام تروریسم بوده‌ایم. این موضوع همواره بوده و به تناسب دنیای امروز ابعاد وحشتناکی پیدا کرده است.»رییس دولت اصلاحات گفت: «در مقابل نیز صدای جنگ علیه تروریسم وجود دارد که ترور و تروریسم خود حاصل فزون‌خواهی و جنگ‌طلبی قدرت‌هاست در حالی که مصلحان بزرگ به‌ویژه پیامبران خدا ندای زندگی برای انسان دادند و تاکید کردند زندگی در جایی است که صلح باشد.»رییس‌جمهوری پیشین کشورمان در ادامه به آیات قرآن کریم اشاره کرد و گفت: «خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید به دعوت پیامبر و خدای پیامبر که شما را به زندگی می‌خواند، پاسخ دهید.»او با تاکید بر اینکه «آنچه در طول تاریخ همواره بر صلح غالب بوده، جنگ بوده است»، گفت: «ستایش کردن و توصیه‌کردن به صلح فایده زیادی ندارد بلکه باید جان‌های صلح‌طلبی تربیت شود. باید گفت‌وگو درباره صلح به گفتمان صلح در جهان تبدیل شود و پارادایم یا سرمشق ستیز و خشونت به سرمشق و پارادایم تفاهم تبدیل شود چرا که باید در برابر جنگ تمدن‌ها، گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح شود.»سیدمحمد خاتمی افزود: «امروز، پارادایم باید تغییر کند و زندگی‌ها دستخوش تغییر شوند. امروز باید خشونت‌طلبان، افراط‌گرایان و حامیان جنگ از صحنه سرنوشت کنار روند تا صلح، اتحاد و تفاهم پدید آید چراکه در این صورت است که زندگی انسان‌ها سرشار از صلح می‌شود.» او با تاکید بر اینکه «جنگ اتفاق زشتی است»، گفت: «موزه صلح، موزه‌ای است که زشتی‌های جنگ را به رخ می‌کشد اما در دل این زشتی‌ها زیبایی‌هایی از جنس مقابله در مقابل جنگ و مقاومت نهفته است چرا که چنانچه انسان‌هایی از جان‌گذشته نباشند تا در مقابل خشونت‌گرایان ایستادگی کنند، زندگی بشریت یک‌شبه به جهنم تبدیل می‌شود.» رییس‌جمهور پیشین کشورمان با بیان اینکه «به همان اندازه که جنگ زشت است، جنگ به معنای دفاع از موجودیت و بقای خود و ایستادن در برابر متجاوز زیباست»، افزود: «اگر این مقاومت‌ها نبود جنگ‌طلبان بسیار زود همه زندگی بشریت را نابود می‌کردند.» او با تاکید بر اینکه «روز صلح و برپایی موزه صلح، امر مبارکی است»، ادامه داد: «باید همگان به پیام پیامبران و مصلحان بشریت گوش دهیم و زندگی را سرشار از تفاهم، گفت‌وگو و محبت کنیم و با همبستگی جان‌های محبت‌خواه، زشتی‌آفرینان و جنگ‌آفرینان را در ابتدا منزوی کنیم و چنانچه خدا بخواهد سررشته حیات و سرنوشت انسان‌ها را از دست جنگ‌طلبان و خشونت‌گرایان خارج کنیم.»

مرور مواضع سیاسی مرحوم دعاگو

مهسا جزینی: امام‌جمعه حامی «هاشمی» درگذشت. نه «خاتمی» و نه «احمدی‌نژاد» هیچ‌کدام رییس‌جمهوری محبوبش نبودند. اگرچه بعدا گفت «خاتمی» را بر «احمدی‌نژاد» ترجیح می‌داده است. «محسن دعاگو» عضو جامعه روحانیت مبارز که زمانی خاتمی را از تریبون نمازجمعه شمیرانات به نقد می‌کشید و بعد هم «احمدی‌نژاد» را از معدود امامان‌جمعه حامی رییس دولت سازندگی بود که در تمامی این سال‌ها تغییری در عقیده‌اش نداد تا جایی که دوسال مانده به پایان دولت «خاتمی» هنوز معتقد بود او دارد طرح‌های «هاشمی» را افتتاح می‌کند. «هاشمی» را بعد از رهبری دومین فرد پرنفوذ در کشور می‌دانست و معتقد بود «هاشمی» شناسنامه نظام است و هجمه علیه او را سازماندهی‌شده می‌دانست. این ارادت شاید به همان سال اول انقلاب بازمی‌گشت. زمانی که «هاشمی» او را از قم به تهران فرامی‌خواند تا عضو حزب جمهوری اسلامی شود. دعاگو معتقد بود آنها که به دنبال تضعیف «هاشمی» و تقابلی بین او و رهبری‌اند فریب دشمنان را خورده‌اند. در حمایت از بازگشت «هاشمی» به نمازجمعه بارها سخن گفت. سال ۸۳ از «هاشمی» حمایت کرده و گفته بود: «او شایسته ریاست‌جمهوری است. دوران ریاست‌جمهوری ایشان کشور از فقر و بدبختی نجات پیدا کرد.» اگرچه خطبه‌های خودش در دوران اصلاحات در نقد دولت و ایده‌هایش فرقی با دیگر خطبا نداشت، اما اخیرا گفته نقدهایش جناحی نبوده است: «هرگز از موضع هیچ جناحی خطبه‌های نمازجمعه را ایراد نکردم. هرگز در چارچوب‌های تعریف‌شده حزبی و جناحی نایستادم. اگر از من سوال کنید که اصولگرا هستی یا اصلاح‌طلب یا اعتدالگرا، می‌گویم هم اصولگرا هستم هم اصلاح‌طلب هم اعتدالگرا.» تا جایی که بعد از غیبت «هاشمی» از نمازجمعه گفت: «کسانی که نمازجمعه را به منافع و مصالح جناحی آلوده می‌کنند، بزهکاران فرهنگی و سیاسی‌اند.» اخیرا هم به خبرآنلاین گفته بود: «من به عزیزانی که نمازجمعه می‌خوانند و در جایگاه خطیب نمازجمعه قرار دارند، توصیه می‌کنم هرگز از مرز اعتدال که دقیقا همان اسلام است، خارج نشوند. متعرض اشخاص حقیقی و حقوقی و جریانات سیاسی نشوند. خطیب جمعه می‌تواند یک موضع سیاسی را نقد کند، اما پریدن به جریانات سیاسی و درگیرکردن جریانات سیاسی وفادار به نظام با یکدیگر در شأن امام‌جمعه نیست، موردنظر رهبری هم نیست. هیچ خطیب جمعه‌ای حق ندارد جریانات سیاسی وفادار به نظام را با هم درگیر کند یا به نفع یک جریان سیاسی وفادار علیه جریان سیاسی وفادار دیگر سخنی بگوید.» همان زمان هم احتمالا به احترام گذشته مشترک حزبی، حساب مجمع روحانیون مبارز را از حزب مشارکت جدا کرد. اما در کل معتقد بود در جبهه دوم‌خرداد به جز معدودی انگشت‌شمار، بقیه افراطی‌اند.

دعاگو: خاتمی گاهی از دست منتقدان ناراحت می‌شد اما میزان تحملش با تحمل «احمدی‌نژاد» قابل مقایسه نیست. سعه‌صدر خاتمی بیشتر بود. این سعه‌صدر تا جایی بود که حتی سخنان و انتقادات من به اصلاحات و دولت خاتمی تا مدت‌ها در رسانه‌های این طیف نفوذ داشت اما این مساله در این طرف کمتر دیده می‌شود

مخالف و منتقد سفت‌وسخت اصلاح‌طلبان مجلس‌ششم و معتقد بود شورای‌نگهبان نباید از موضع خود کوتاه بیاید و رییس وقت مجلس و رییس‌جمهوری را هم بابت حمایت و پیگیری‌شان برای تایید صلاحیت نمایندگان متحصن، سخت مورد انتقاد قرار داد. نامه خاتمی به جوانان تحت عنوان «نامه‌ای برای فردا» را ضایعه فرهنگی و فاجعه سیاسی اعلام کرده بود. گرچه به نظر می‌رسد این اواخر خواسته بود دل همه را به دست آورد چرا که گفته بود اختلاف بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان ناچیز است و مبنایی نیست. همه اصلاح‌طلبان حقیقی اصولگرایند و همه اصولگرایان حقیقی اصلاح‌طلب.» «احمدی‌نژاد» را در حد ریاست‌جمهوری نمی‌دانست و معتقد بود جریان انحرافی در حال تدارک‌دیدن «احمدی‌نژادی»های فراوان برای کشور است. درباره‌اش گفته بود: «بینش سیاسی و فرهنگی احمدی‌نژاد را درحد ریاست‌جمهوری نمی‌دانستم.» بعد گفت اندازه‌اش در حد نشستن بر همین صندلی مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام است. «احمدی‌نژاد» اما کار را به جایی رسانده بود که منتقد سفت‌وسخت اصلاح‌طلبان بعدا در مقایسه‌ای جانب انصاف را به اصلاح‌طلبان داد و سال ۸۷ به کارگزاران گفت: «اگرچه در دولت خاتمی هم توجه چندانی به نظرات مخالفان نمی‌شد اما معتقدم تحمل آقای خاتمی بدون شک بیشتر از آقای احمدی‌نژاد بود. خاتمی گاهی از دست منتقدان ناراحت می‌شد اما میزان تحملش با تحمل «احمدی‌نژاد» قابل مقایسه نیست. سعه‌صدر خاتمی بیشتر بود. این سعه‌صدر تا جایی بود که حتی سخنان و انتقادات من به اصلاحات و دولت خاتمی تا مدت‌ها در رسانه‌های این طیف نفوذ داشت اما این مساله در این طرف کمتر دیده می‌شود.» بعد هم گفت که فتنه ۸۸ مربوط به احمدی‌نژاد است و ارتباطی به آقای خاتمی ندارد.

منتقد شریعتی، حامی روحانی

«دعاگو» در سلک روحانیون سنتی منتقد «شریعتی» بود و سروش را تئوری‌پرداز خشونت می‌دانست. در گفت‌وگویی با روزنامه جوان سه اشکال به کار «شریعتی» وارد دانسته بود؛ یکی ورودش به مباحثی که در آن تخصص نداشت و روحانیت را برضد خودش تحریک می‌کرد. دیگر اینکه معتقد بود اگر همه کتاب‌های شریعتی را جمع کنند به‌سختی یک کتاب پرمطلب از او به دست خواهید آورد. ایراد سومش هم به عدم پایبندی شریعتی به وظایف عبادی بازمی‌گشت و معتقد بود که مثل افراد سهل‌انگار عمل می‌کرد. بر همان منش حمایت از «هاشمی»، از «روحانی» هم که شبیه‌ترین دولت به «هاشمی» است حمایت کرد و گفت عملکرد دلواپس‌ها را نمی‌پسندد. معتقد بود که آنها دلواپس خودشان هستند که دیگر نتوانند به قدرت بازگردند. تندروی‌ها را سازمان‌یافته می‌دانست و در حمایت از «روحانی» گفت: «این حرف که، به‌زور می‌توان مردم را به بهشت برد، انصافا از روی عصبانیت و ناسنجیده بیان شده است.» «محسن دعاگو» در سال ۱۳۳۱ در تربت‌حیدریه متولد شد و برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد و تهران سفر کرد. در سال ۱۳۵۵ توسط ساواک در قم دستگیر و در تهران زندانی شد. او بعد از انقلاب عضو شورای مرکزی حزب جمهوری‌اسلامی، فرمانده کمیته انقلاب اسلامی وزارت آموزش‌وپرورش، نماینده اول قوه‌مجریه در صداوسیما، دبیر شورای سرپرستی صداوسیما و دبیر شورای ائمه جمعه استان تهران بوده است. مقام معظم رهبری، «روحانی»، «صادق لاریجانی»، «سیدحسن خمینی» و «هاشمی‌رفسنجانی» طی پیام‌هایی جداگانه درگذشت او را تسلیت گفته‌اند. «هاشمی» در پیام خود «دعاگو» را همسنگر سال‌های مبارزه و همکار صمیمی فرازوفرودهای پس از انقلاب، نامیده و او را روحانی انقلابی و خطیبی توانا که شجاعت، صداقت و صراحت بیانش در دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب در مقام امام‌جمعه شمیرانات، در اذهان جاودان است توصیف کرده است. مراسم تشییع او امروز در مسجد جوزستان نیاوران برگزار می‌شود.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **گلایه پستی!** هزینه‌های پستی بدون هیچ حساب‌وکتابی مانند بسیاری از خدمات دیگر، افزایش چشمگیر یافته است، اما بدبختانه از آن‌سو از سرعت پست در ارسال نامه‌ها و بسته‌ها کاسته شده است. از مسوولان شرکت پست تقاضا داریم همین‌طور که به فکر افزایش نرخ‌ها هستند، به‌فکر سرعت ارسال و رساندن امانتی به موقع و تحویل آنها به نشانی گیرندگان هم باشند.

عرفان از تهران

● **طبقه‌بندی مشاغل اجرا شود:** برخی موسسه‌ها و چاپخانه‌ها که کارکنان آنها بیش از ۵۰نفر است و زیرمجموعه تامین‌اجتماعی‌اند، حقوقشان هر سال براساس قانون وزارت کار تعیین و پرداخت می‌شود؛ در حالی که حقوق‌های تعیین‌شده، کفاف مخارج سنگین هزینه‌ها را نمی‌دهد. از اینرو ضرورت دارد طرح طبقه‌بندی مشاغل با توجه به گرانی‌ها در تمامی کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، موسسه‌ها و چاپخانه‌ها اجرا و حقوق واقعی کارگران پرداخت شود.

علی از تهران

● **برنامه دورکاری:** اقشار حقوق‌بگیر به‌خصوص کارمندان و کارکنان مراکزی که سرویس ایاب‌وذهاب هم ندارند، مجبورند از کاروان شهری استفاده کنند. آنها باید صبح زود از خانه خارج شوند که به‌موقع در محل کارشان حضور یابند و به علت تاخیر، جریمه نشوند. مسافت طولانی محل کار، توقف پشت چراغ‌قرمز، معطلی در ترافیک، مشکلات فراوانی است که تهرانی‌ها با آن دست به گریبانند. بهتر نیست ادارات دولتی، برنامه دورکاری را اجرا کنند تا کارمندان بتوانند کارها را در منطقه مسکونی خود انجام دهند تا هوای شهر نیز به سبب استفاده از خودرو تک‌سرنشین بیش از این آلوده نشود؟

فرقانی از تهران

● قسمت‌هایی از دیوارهای بتنی بزرگراه شهید صیاد شیرازی حدفاصل انتهای کوچه اعتماد غربی تا پل شهدای حسین‌آباد واقع در منطقه‌چهار شهرداری تهران نیاز به نصب حفاظ فلزی مناسب جهت جلوگیری از سقوط افراد و خودروها دارد.

اکبر عابدی
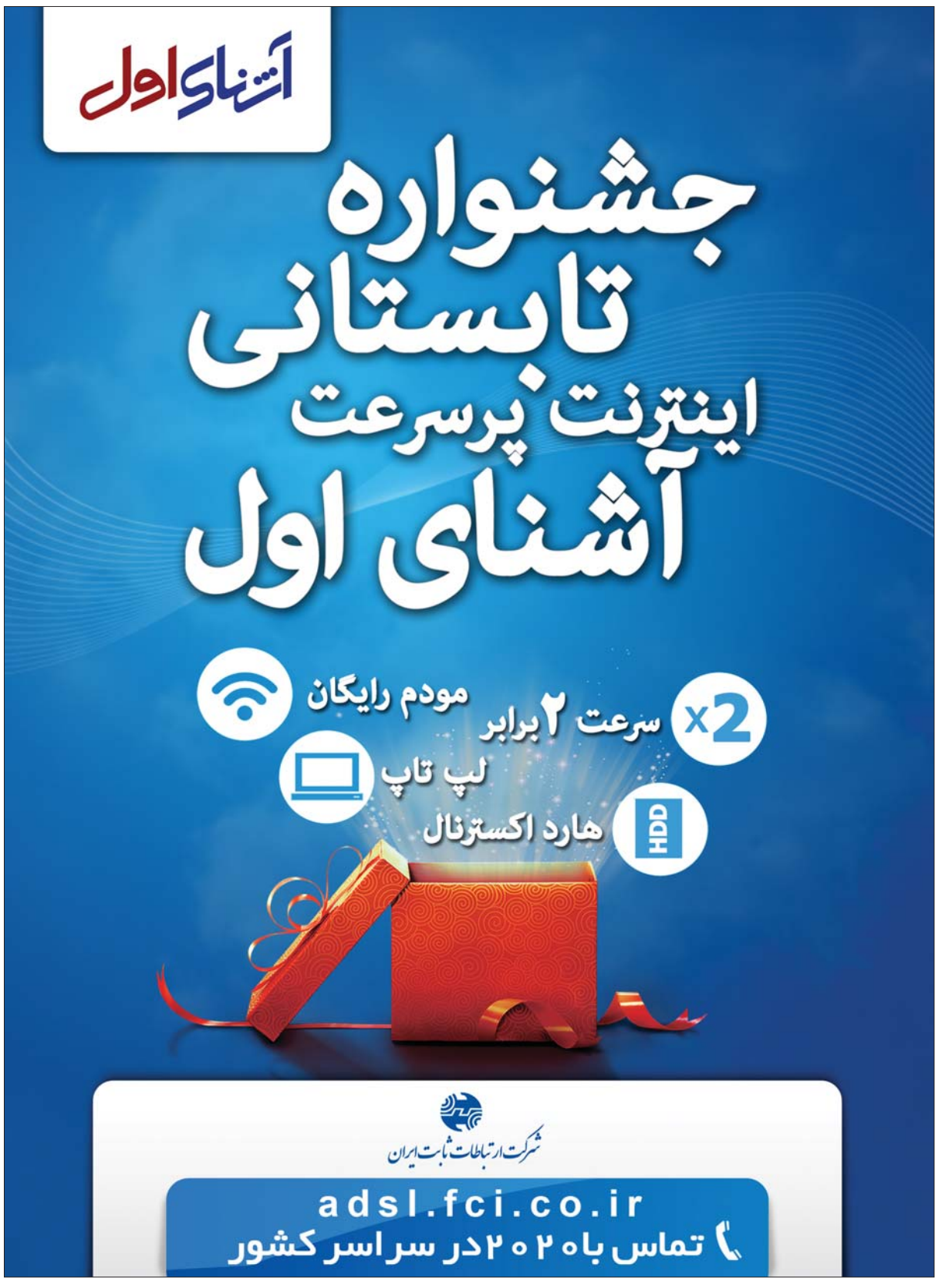
● خیابان امام‌خمینی تقاطع خیابان جیحون فاقد هرگونه علایم هشداردهنده و چراغ راهنمایی و رانندگی است. به همین دلیل عابر پیاده برای تردد از خیابان دچار مشکلات خیلی زیادی است. ما مشکل خودمان را با پلیس راهور هم در میان گذاشتیم هیچ کاری انجام ندادند. از مسوولان مربوطه خواهش می‌کنیم که فکری به حال این منطقه بکنند. تردد عابر پیاده در این خیابان نظیر تردد یک عابر در اتوبان است.